

به نام لاهور! مزدا



چنین گوید برزویه طبیب، مقدم اطبای پارس، که پدر من از لشکریان بود و مادر من از خانه علمای دین زردشت بود.

بُرزویه، پزشک نامدار و پیشوای پزشکان ایران در عصر خسرو انوشیروان ساسانی، گردآورنده کلیله و دمنه و احتمالاً مترجم پنجه تَنتره از سانسکریت به زبان پهلوی که بخشی از کلیله و دمنه را تشکیل می‌دهد، بوده‌است.

این نام در فارسی میانه به شکل برزوی، ساخته‌شده از دو جزء «بُرز» به معنای بلند مرتبه و متعالی و پسوند تحبیب «اوی» آمده و در فارسی باستان به صورت برزآویا (Brz-auya) آمده است.

زندگینامه برزویه طبیب در کلیله و دمنه

چنین گوید برزویه طبیب، مقدم اطبای پارس، که پدر من از لشکریان بود و مادر من از خانه علمای دین زردشت بود.

و اول نعمتی که ایزد تعالی و تقدس، بر من تازه گردانید، دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من، چنان که از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت و تشریح مخصوص گشتم. و چون سال عمر به هفت رسید، مرا بر خواندن علم و طب تحریص نمودند. و چندانکه اندک وقوفی افتاد و فضیلت آن بشناختم، به رغبت صادق و حرص غالب در تعلم آن کوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی یافتم و در معرض معالجت بیماران آمدم.

آنگاه نفس خویش را میان چهار کار که تکاپوی اهل دنیا از آن نتواند گذشت، مخیر گردانیدم: وفور مال و لذات حال، و ذکر سایر و ثواب باقی. و پوشیده نماند که علم طب نزدیک همه خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده است.

و در کتب آورده‌اند که فاضل‌تر اطبا آن است که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید، که به ملازمت این سیرت نصیب دنیا هر چه کامل‌تر بیاید و رستگاری عقبی مدخر گردد، چنان که غرض کشاورز در پراکندن تخم، دانه باشد که قوت او باشد، اما کاه که علف ستوران است به تبع آن هم حاصل آید. از جمله بر این کار اقبال تمام کردم و هر کجا بیماری نشان یافتم که در وی امید صحت بود، معالجت او بر وجه حسبت بر دست گرفتم، (برای رضای خدا و بدون طمع و اجر) و چون یک چند بگذشت و طایفه‌ای را از امثال خود در مال و جاه بر خویشتن سابق دیدم، نفس بدان مایل گشت، و تمنی مراتب این جهانی بر خاطر گذشتن گرفت، و نزدیک آمد که پای از جای بشود. با خود گفتم: «ای نفس! میان منافع و مضار خویش فرق نمی‌کنی، و خردمند چگونه آرزوی چیزی در دل جای دهد که رنج و تبعیت آن بسیار باشد و انتفاع و استمتاع اندک؟ و اگر در عاقبت کار و هجرت سوی گور فکر شافی واجب داری، و حرص و شره این عالم فانی به سر آید.

و قوی‌تر سببی ترک دنیا را مشارکت این مشتی دون عاجز است که بدان مغرور گشته‌اند. از این اندیشه ناصواب درگذر و همت بر اکتساب ثواب مقصور گردان، که راه مخوف است و رفیقان ناموافق و رحلت «نزدیک و هنگام حرکت» (به سوی مرگ) نامعلوم... به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طبیب ندانند، لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاصی طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق مستحکم شود؛ آنجا که جهانی از تمتع آب و نان و معاشرت جفت و فرزند محروم مانده باشند، و به علت های مزمن و دردهای مهلک مبتلا گشته، اگر در معالجت ایشان برای حسبت سعی پیوسته آید و صحت و خفت ایشان تحری افتد، اندازه خیرات و ثنوبات آن کی توان شناخت؟» چون بر این سیافت در مخاصمت نفس مبالغت نمودم، به راه راست باز آمد و به رغبت صادق و حسبت بی ریا به علاج بیماران پرداختم و روزگار در آن مُستغرق گردانیدم تا به میان آن، درهای روزی بر من گشاده گشت.

کارهای برزویه

دکتر سیریل الگود درباره برزویه طبیب می‌نویسد: «**دوران سلطنت انوشیروان** از نظر ترجمه‌هایی که در آن انجام شده است قابل توجه است.

در زمان او آثار نویسندگان مهم یونان و هند به فارسی ترجمه شد که در میان آنها کتب افلاطون، ارسطو و افسانه‌های بیدپای هندی به نام کلیله و دمنه قابل ذکر است. برای تهیه این اثر اخیر برزویه طبیب که به فارسی بزرگمهر نامیده می‌شود به طور نهانی به هندوستان اعزام شد تا به هر قیمتی شده آن را به دست آورد. برزویه طبیب تنها پزشک دوره ساسانی است که اطلاعات کامل درباره اش موجود است. از حسن تصادف زندگینامه او نیز بر جای مانده است، زیرا ابن مقفع در ترجمه خود از افسانه‌های بیدپای، این شرح را به عنوان مقدمه آورده است.»

از کارهای دیگر برزویه پزشک، برگرداندن نسکی به نام پنجه تنتره از سانسکریت به زبان پهلوی است. کتاب دیگری به نام حکمت هندی، که در سال ۱۰۷۰ میلادی (۴۶۲ هجری قمری) بدست شمعون انتاکی از تازی به یونانی برگردانده شد را هم از برزویه می‌دانند.

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی